

اروپا و جنگ‌های صلیبی در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری متنو پاریس: یک تاریخ عمومی اروپایی یا گذار به تاریخ‌نگاری جهانی؟

علی بحرانی‌پور^۱

چکیده: متنوی پاریس از مورخان انگلیسی قرن ۱۳ میلادی بود که در سنت تاریخ‌نگاری کلیسایی رشد کرد و سنت وقایع‌نامه‌نویسی را ادامه داد و بنا به داوری محققان آن را به اوج رساند. شاید دلیل آن اوجگیری، وقایع زمانه پراشویی بود که در آن از یک سو کشاکش قدرت کلیسا و دربار امپراتور فردریک دوم و شاهان انگلستان و فرانسه اروپا را دربر گرفته بود و از سوی دیگر جنگ‌های صلیبی و یورش خانمان برانداز تاتاران جهان را به هم ریخته بود. بدین ترتیب وقایع‌نامه‌نویسی نه با مسائل داخلی اروپا که از آن پس با مسائل جهانی رو در رو شده بود. لذا هدف پژوهش حاضر شناسایی روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری متنو پاریس با توجه به تحولات جهانی همچون جنگ‌های صلیبی و حمله مغولان است. دستاوردهای تحقیق حاکی از آن است که بینش مورخان اروپایی از جمله متنوی پاریس وسعت جهانی یافت؛ و البته تاحدی از تعصبات مذهبی و ملی داخلی اروپا کاسته شد. قالب وقایع‌نامه‌نویسی نیز تغییر کرد و به ذکر اسناد و نامه‌های مکتوب و رسمی و سبک نگارش و روش سفرنامه‌ها و زیارت‌نامه‌ها متکی شد.

واژه‌های کلیدی: متنوی پاریس، تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری، جنگ‌های صلیبی، کلیسا،

مغولان

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز bahranipour@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۷ تاریخ تأیید: ۹۶/۰۴/۱۰

Europe and Crusade Wars According to *Matthew Paris's* Historiography Method and his Historical approach: A General History of Europe or a Transition to "Global History"?

Ali Bahrani Pour¹

Abstract: As a 13th century English historian, *Matthew Paris* was brought up under the ecclesiastic method of historiography; he continued the choreography and researchers believe that *Matthew* culminated it. Perhaps the reason of this raising was the events of the chaotic times, where the papal church had a conflict with Fredrick II the Roman emperor and the kings of England and France which made Europe turbulent. On the other hand the crusade wars and the Mongol invasions disarranged the world. So the chorography was no more involved in just the internal issues of Europe, but also in dealing with the global issues. Thus, the aim of the research is to understand that regarding the world evolutions, how the *Matthew Paris's* historiography method and his historical approach was. Results of this research indicate that *Matthew's* approach and also some other European historians led to a worldwide point of view, which sometimes reduced their national or religion fanaticism. The format of choreography changed and relied on formal documents such as formal letters, reports, and voyage or pilgrimage accounts.

Keywords: *Matthew Paris*, Historiography method, Historical approach, Crusade wars, Church, Mongols

1 Faculty member for Shahid Chamran University of Ahvaz, bahranipour@hotmail.com

مقدمه: سنت وقایع‌نامه‌نویسی در اروپای قرون وسطی و جایگاه وقایع‌نامه بزرگ در آن

اهمیت وقایع‌نامه بزرگ نه فقط از آن رو است که اولین نوشته حجیم و جامع اروپاییان در باب تاریخ جهانی به‌شمار می‌رود، بلکه به سبب وقوع جنگ‌های صلیبی و یورش مغول شرق و غرب عالم را در یک تاریخ مشترک دیده و توصیف کرده است؛ اما تاریخی با چنین اهمیت و جامعیتی که از جنس جامع‌التواریخ (تاریخ جامع به مثابه تاریخ عمومی جهان) است در مجامع دانشگاهی ایران ناشناخته مانده است، لذا معرفی این اثر شاخص به‌منزله معرفی روندی نو در تاریخ‌نگاری اروپایی قرون وسطی است که در مشرق زمین مشابه‌هایی چون جامع‌التواریخ مذکور یا سال‌نامه مشهور چینی موسوم به *یوان‌شی*^۱ دارد.

پیشینه تحقیق در اروپا از چند منظر بررسی شده است که از آن جمله است آثار مغول‌شناسانی چون پیتر جکسون که از دیدگاه مغولان به مغرب زمین نگریسته و اخبار مغولان را از کتاب *متئو پاریس استخراج کرده* و در مجموعه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه کمبریج منتشر کرده است.^۲ برخی دیگر از محققان نیز بخش‌هایی از تاریخ انگلستان را در قالب تاریخ محلی کنت‌نشین کمبریج اقتباس و بررسی کرده‌اند.^۳ اما نوشته حاضر با هدفی متفاوت و عام‌تر به سراغ کتاب مورد بحث رفته است.

هدف نوشته حاضر آن است که با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با کمک روش تحلیل محتوا به برداشت‌هایی از نیات مؤلف پردازد و جنبه‌های مختلف روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مؤلف را مورد بررسی قرار دهد. به این دلیل است که نوشته حاضر رویکرد تصنیفی به خود گرفته است و به یاری شمارش و تحلیل آماری بسامد واژه‌ها و عناوین کتاب و تأویلاتی از درون متن به شناسایی گفتمان حاکم بر آن می‌پردازد. از این رو سؤال پژوهش حاضر آن است که با توجه به تحولات جهانی، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری متئو پاریس را باید در دوره تاریخ‌نگاری اروپایی قرار داد یا باید از منظر تاریخ جهانی بدان نگریست؟ و چرا؟

فرضیه حاکی از آن است که بینش مورخان اروپایی از جمله متئو پاریس وسعت جهانی یافت و قدم به مرحله نگارش تاریخ جهانی نهاد. البته تاحدی از تعصبات مذهبی و ملی داخلی اروپا کاسته شد. قالب وقایع‌نامه‌نویسی نیز تغییر کرد و به ذکر اسناد و نامه‌های

1 Yuan-shih.

2 Peter Jackson (2001), *Mongols and the West*, Cambridge: Cambridge History.

3 Edmund (1819), *The history of the county of Cambridge*, Cambridge University (online edition).

مکتوب و رسمی و سبک نگارش و روش سفرنامه‌ها و زیارت‌نامه‌ها متکی شد. البته بدین منظور ضروری است که روش و سنت وقایع‌نامه نویسی در اروپای زمان تألیف وقایع‌نامه بزرگ در محورهای ذیل معرفی و بررسی شود.

سنت وقایع‌نامه‌نگاری در قرون وسطی ریشه در روش تاریخ نویسی یونان و روم باستان داشت. این آثار تا نیمه دوم قرن ۱۲ م. غالباً به زبان لاتین و توسط اهل کلیسا برای دانش‌پژوهان نگاشته می‌شدند؛ اما از سال ۱۱۵۰ م. به بعد وقایع‌نگاران و مورخان وقایع‌نامه‌هایی را به نظم و نثر نگاشتند که مشهورترین آنها به شرح زیر بودند.

در انگلستان تاریخ‌نگاری یکی از تحقیقات معمول راهبان صومعه سنت آلبن بود. متئوی پاریس در ۱۲۱۷ م. سفارش نگارش تاریخ خویش را دریافت کرد. او کتاب تاریخ راجر آو وندوور و همچنین کتاب جان دو سلا^۱ را بازمینی و تصحیح کرد و اطلاعاتی را بدان افزود. در ادامه همین سنت تاریخ‌نگاری وی وقایع‌نامه بزرگ^۲ را نگاشت که از مهم‌ترین منابع تاریخ است. اهمیت این منبع برای حدفاصل سال‌های ۱۲۳۵-۱۲۵۹ م. فوق‌العاده است. خاصه آنکه خود تصاویری را در باب برخی موضوعات کتاب ترسیم کرده است که به همان اندازه اهمیت دارند.^۳

وقایع‌نامه‌های زبان و ادبیات فرانسه از حیث تعداد بیشترند. معروف‌ترین وقایع‌نامه‌نگار فرانسوی دوره مورد بحث واس^۴ نام داشت که رمانس بروتوس، یا پیروزی برتون‌ها را در ۱۱۷۰ م. سرود که شامل منظومه‌ای هشت‌هجایی در اصل و نسب و تاریخ برتون‌ها بود. اثر دیگرش رمانس رو یا پیروزی نورمن‌ها در باب تاریخ قدیم نورمان‌ها در عهد روم باستان و انگلستان است. این اثر در واقع ترجمه‌ای آزاد از تاریخ شاهان بریتانیا اثر جفری آو مان ماوت است.

ژرژ فروا دو ویلاردوئن (۱۱۵۰-۱۲۱۷ م.) نخستین نویسنده وقایع‌نامه‌های منشور فرانسه و مؤلف فتح قسطنطنیه در باب جنگ چهارم صلیبی است. وی گرچه وقایع‌نگار دقیقی بود، اما برخلاف متئوی پاریس در تفسیر انگیزه‌های شخصیت‌های تاریخی دقیق نبود.

ژان دو ژوتوئیل (۱۲۲۴-۱۳۱۷ م.) وقایع‌نگار و مشاور لوئی نهم (سن لوئی) و مؤلف

1 John de Cella.

2 Chronica Majora.

3 Matthew Paris (1872-1881), *Chronica Majora Henry Richards Luard's*, 7 vols., Rolls series (online edition), vol.1, 21 onwards.

4 Wace.

زندگی‌نامه سن لویی بود که منبعی آکنده از شایعات اما مطلع از وقایع دربار فرانسه بود. ژان فرانسوار (۱۳۳۳-۱۴۱۰م.) بزرگ‌ترین وقایع‌نگار فرانسوی و مؤلف وقایع‌نامه‌ها (در چهار جلد) است که در باب تاریخ فرانسه، انگلستان، اسپانیا، برتانی و گاسکونی و فلاندر^۱ و مناطق دیگر بود و هدف از آن بیان فتوحات برجسته لشکریان فرانسه و انگلستان در قرن ۱۴ م. است. در واقع از نظر موضوع بسیار به موضوعات مورد بحث در وقایع‌نامه بزرگ متنوی پاریس شبیه و در اصل به‌نوعی در ذیل و حتی رقیب آن به شمار می‌رود. وی همچون متنو اغلب تعصب می‌ورزد و دچار لغزش می‌شود؛ اما برخلاف او که به تفکر و آرمان‌های راهبانه دل بسته بود، به اشرافیت گرایش دارد و علاقه‌مند به توصیف شمشیربازی، مناظر، نبرد، شوالیه‌های زره‌پوش و بانوان زیبا است.^۲

وقایع‌نامه‌های اسپانیایی از دیگر آثار قابل توجه در این زمینه‌اند. رودریگو خیمنت درادا (۱۱۷۰-۱۲۴۷م.) و لوکاس دو توی (۱۲۴۹م.) وقایع‌نامه‌نگاران اسپانیایی کوشیدند تا رویدادهای ملی و جهانی را به هم بافته و به ترتیب تاریخی پیگیری کنند؛ اما نخستین مورخی که به زبان اسپانیایی وقایع‌نامه‌ای نگاشت آلفونسوی دانا (۱۲۲۶-۱۲۸۴م.) شاه کاستیل ایب و شاعر و مورخ بود که وقایع‌نامه جامع را به زبان کاستیلی نگاشت که نامش با نام وقایع‌نامه بزرگ متنوی پاریس شبیه بوده و هم‌عصر آن است. وقایع کتاب مذکور از طوفان نوح آغاز می‌شود و تاریخ کامل اسپانیا را از روزگار یونانیان و کارتاژی‌ها تا سلطنت فردیناند سوم (۱۲۵۲م.) پی می‌گیرد؛ اما پر از اغلاط است و تلاشی برای تمییز واقعیت از افسانه نکرده است.^۳

روش تاریخ‌نگاری متنو پاریس

وقایع‌نامه بزرگ به روش سال‌نگاری و در عین تعهد به تقسیم موضوعی وقایع سال نگاشته شده است که سنت رایجی در تاریخ‌نگاری اروپای قرون وسطی است. متنوی پاریس صاحب قلمی روان و علاقه‌مند به توصیفاتی پرجزئیات و دقیق بود. ظاهراً در سنت تاریخ‌نگاری

1 J.C.H. Blom and Emiel Lamberts (eds.) (1999), *History of the Low Countries: A one-volume history of Belgium and The Netherlands*, Berghahn (online edition).p. 213.

۲ تراویک باکتر (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات جهان*، ترجمه عربعلی رضایی، ج ۱، تهران: فرزاد روز، صص ۲۶۹-۲۷۱.

۳ همان، ج ۱، صص ۲۹۲-۲۹۳.

انگلستان اشاره مورخ به شخص خود اندکی رواج داشته است.^۱ مورخ این نگاه را از طریق خود و از زاویه اعتقادات و ارزش‌های خود به اوضاع جهان نشان می‌دهد که او و اثرش را به ورطه خودمحموری کشانده است.

متنو مورخی نبود که به نقل وقایع بسنده کند یا هر روایتی را بپذیرد. بلکه دید انتقادی موشکافانه خویش را حتی با استفاده از نوعی روان‌شناسی و بازجویی انگیزه‌های درونی شخصیت‌های تاریخی برای رفتارهایشان در پیش گرفته بود. مثلاً در نقل نامه‌ای که سخن از استیلای صلیبیان بر قاهره و فسطاط^۲ و ویرانی اسکندریه داشت، این انتقاد را به کار گرفته و آن وقایع را انکار کرده است و حتی دلیل شیوع اخبار دروغین و شایعات مربوط به آن را به روشی روان‌شناسانه بررسی کرده است. او می‌نویسد:

شایعات مذکور دل تمامی مردم مغرب زمین را به واسطه اخبار خوش دروغینش شاد و آرام کرده بود. اما در نهایت آشکار گشت که به این دلیل شیوع یافته بود که ذکر آن گرچه بی‌فایده است، اما خود روایتی طولانی است. چرا که در باب تأثیر منفی یک دروغ بر اعتبار مورخی راستگوی گفته‌اند: اگر برکهای را کنی پر گلاب، سگی در وی افتد، کند منج‌لاب.

با ظهور این فضا و احوال تازه (پیوستن سرداری مسلمان‌الاصل و نومیسیحی از سلطان مصر به شاه فرانسه لئوی نهم)، برخی مردم ساده‌دل نامه‌هایی سرّی حاوی این اخبار فرح‌بخش نگاشته، به اروپا فرستادند. چندان که گویی آنچه را که مسلمانان به ایشان وعده داده بودند، به چنگ آورده‌اند و بر آن مسلط شده‌اند. از این رو نامه‌هایی به دوستان خویش فرستادند تا آنان را شاد کنند که حاکی از آن بود که قاهره و فسطاط فتح شده و مسلمانان اسکندریه را تخلیه کردند تا صلیبیان بر آنجا مسلط شوند. این امر منشأ و علت اصلی شیوع شایعات و نامه‌های مذکور بود.

منظور متنو از ذکر این توضیح آن بود که با ذکر این روایت دروغین ممکن است کتاب نگارنده (متنو) که سراسر پر از وسواس حقایق‌نگاری است، به کلی آلوده شود و مورد اتهام و شک قرار گیرد. با توجه به روش مؤلف، گرچه کتاب وقایع‌نامه بزرگ اغلب مورد ارجاع محققان است، اما برخی پژوهشگران برآن‌اند که این اثر همچون اغلب آثار قرون میانه

۱ متنو باریس (۲۰۰۱)، *التاریخ الکبیر*، جلد ۵، ترجمه و تحقیق، سهیل زکار، ج ۲، دمشق: اَبی‌نا، ص ۶۳۵.

۲ همان، ج ۲، ص ۱۱۲۲.

به‌طور کامل موثق نیست؛ هرچند یکی از مهم‌ترین آن‌ها است.^۱ خطاهای وی که بسیار نیستند، ناشی از کم‌دقتی یا فاصله بسیار نزدیک وی با حوادث است که مانع از درک درست آنها می‌شود؛ گاه حتی متن سخنرانی‌هایی را از دیگران نقل می‌کند که چندان دقیق نیستند یا خلاصه شده‌اند. هدف وی آن است که احساسات درونی شخصیت‌های روایتش را بیان کند. در مواردی نیز اسنادی را که متن آن را در کتاب خود گنجانده، تفسیر کرده و گاه در این موارد نیز به خطا رفته است (به‌عنوان مثال، تفسیر وی از متن منشور کبیر موسوم به ماگنا کارتا).

به‌طور کلی روش تاریخ‌نگاری وی به‌عنوان یک شاهد معاصر با وقایع دوره مورد بحث را باید دقیق و گاه و سواس‌آمیز قلمداد کرد. چندانکه گاه دو روایت از یک حادثه را در دو جای جداگانه ذکر کرده است. با این حال باید اطلاعات مندرج در کتاب را با منابع معاصر تطبیق داد؛ و در مواردی که کتاب متنو تنها منبع حادثه‌ای است باید با احتیاط از آن بهره برد. حال آنکه او به نسبت سایر مورخان انگلیسی آشکارترین تصویر را از دوره خود ارائه کرده است.^۲

منابع مورد استفاده متنوی پاریس

منابع متنوی پاریس نامه‌ها و گفته‌های شخصیت‌های مهم و مطالبش عمدتاً حاصل مصاحبه‌هایش با شاهان عینی حوادث بود. منابع اصلی شفاهی وی ریچارد ارل کورنول و برادر تاجدارش هنری سوم شاه انگلستان بود؛ خاصه آنکه متنو گاه با ایشان ارتباط نزدیکی داشت. وی در بررسی اسناد و منابع خود دیدی انتقادی دارد. چنانکه وقتی از کذب بودن محتوی برخی اخبار و دعاوی مطرح شده در نامه‌هایی مطلع شد که از سرزمین مقدس به اروپا می‌آمد (مثلاً خبر فتح قاهره و فرار مسلمانان از آنجا)، از آن پس به تشکیک در تمامی نامه‌هایی پرداخت که از سرزمین مقدس می‌رسید.^۳ بنابراین از آن پس این‌گونه نامه‌ها را کمتر در کتاب خود می‌آورد.

متنو در جایی گفته است که برخی سخنان را مستقیماً از شاه شنیده است:

پاپ کوشید هاگو شاه نروژ را به تخت امپراتوری نشانده، وی را جایگزین

1 Jackson, Ibid, p. 58.

2 Luard, Ibid, vol. 1, p. 9 onwards.

۳ پاریس، همان، ج ۳، ص ۱۱۰۴.

فردریک کند. پاپ به منظور آنکه وی را شخص مناسب و لایق‌تری برای آن مذهب معرفی کند، درصدد تقدیس و تاجگذاری وی به‌عنوان شاه برآمد. شاه نامبرده در حین تاجگذاری آشکارا اعلام کرد که همواره بر آن بوده است که به نبرد دشمنان کلیسا برخیزد. اما لزوماً علیه دشمنان شخص پاپ اقدامی نکند. این سخنی بود که شاه نامبرده به شخص متئو نگارنده این سطور گفت.^۱

متئو برای شرح دقیق جنگ‌های منتهی به اسارت لوئی نهم در چنگ ایوبیان مصر از نامه‌های رد و بدل شده و منابع شفاهی استفاده کرده است. چنان که می‌نویسد: «به منظور آنکه اطلاع کاملی از جزئیات مربوط به مسائل مذکور ارائه دهیم، در همان باب نامه ذیل را که خطاب به ارل ریچارد است، در کتاب حاضر آورده‌ایم». متن نامه خطاب به ارل ریچارد به شرح زیر است:

خطاب به والاحضرت ریچارد، ارل کورنول، مشاورش جان و دیگران الی آخر! از آنجا که ذهن بزرگان گاه گرفتار شایعات شده و از آن بابت نگران می‌شود تا زمانی که حقیقت آشکار شود و از نگرانی‌هایی یابند، چنین مناسب دیدم که اخباری غمناک و جگرسوز اما آشکار و صادقانه را در باب لشکر فرانسوی به عرض برسانم که شامل گزارش‌های منتشر نشده و مبتنی بر روایات شفاهی و نامه‌های مکتوب است. روایت‌های شفاهی مذکور از زبان یکی از روحانیان مورد اعتماد و صادق شخص نگارنده است که نامه‌ای به ملکه فرانسه در آن باب نوشته است....^۲

موضوعات و محدوده زمانی و مکانی کتاب

فضای کلی کتاب متئو پاریس، نشان دادن احوال داخلی اروپا در دوران جنگ‌های صلیبی است. در واقع می‌توان گفت این کتاب روشن‌ترین و مفصل‌ترین وصف از احوال پشت جبهه صلیبیان در حین مبارزه با مسلمانان است.^۳

متئو پاریس گرچه کتاب خود را به تاریخ انگلستان محدود می‌داند و خاصه درباره تاریخ فرانسه به اختصار صحبت می‌کند که ناشی از تعصبات ضدفرانسوی‌اش نیز هست، چراکه در

۱ پاریس، همان، ج ۳، ص ۱۱۹۷.

۲ همان، ج ۳، ص ۱۱۵۳.

۳ مثلاً برای تبلیغات فرانسیسکن و دومینیکن در جهت حملات صلیبی نک: همان، ج ۳، ص ۱۰۶۱.

جایی با تفصیل از سفر صلیبی سنت لوئی نهم سخن می‌گوید؛ اما در جایی دیگر ذکر نام متوفیان اشراف‌زاده فرانسوی را امری ملال‌آور و غیرمرتبط با تاریخ انگلستان معرفی کرده است. وی در عمل نوعی تاریخ جهانی نگاشته است.

اطلاعات قابل توجهی از جهان اسلام خاصه از تاریخ سیاسی و نظامی مصر و شام در عهد ایوبیان و ابتدای ممالیک در وقایع‌نامه متنو آمده است. او تصویری خصمانه از مسلمانان نشان داده، اما به‌طور مشخص از ذکر نام سلاطین آنان می‌پرهیزد و تنها به ذکر عناوین آن‌ها می‌پردازد. اما قدرت‌های مهم مسلمان که در کتاب وی ظاهر می‌شوند، سلاطین ایوبی (ملک الکامل) تا مملوک (بیرس) در مصر به‌عنوان دشمنان بزرگ جهان مسیحی و متحدان پنهان فردریک دوم، سلاطین ایوبی شام به‌عنوان وزنه تعادل در برابر سلطان مصر، نیروهای سواره مزدور خوارزمی به‌عنوان ویرانگرانی بی‌رحم، «حشاشین» (نزاریان) به‌عنوان بازوی ضد امنیتی و پشت پرده سپاهیان مسلمان و گاه به‌عنوان جاسوس و خائن تصویر شده‌اند. گروهی دیگر از مسلمانان که ذکر کم‌رنگ‌تری از ایشان در وقایع‌نامه بزرگ آمده است، امویان اندلس بودند که طی جنگ‌های صلیبی توسط شاهان کاستیل و اراگون از اسپانیا اخراج شدند و اخبارش از طریق نامه‌های رسمی یا توسط مسافران به انگلستان می‌رسید.

بخش قابل توجه دیگری از ملل مشرق زمین که در وقایع‌نامه بزرگ به تصویر کشیده شده‌اند، «تاتاران» (مغولان) به‌عنوان موجوداتی انسان‌نما اما وحشی، پرباقت، بی‌مرگ، غیرقابل درک، در نهایت بی‌رحمی، آدم‌خوار، دلیر، جسور و سریع و جهنمی معرفی شده‌اند که در مدت کوتاهی از تاتاروس (جهنم) خارج شده و مشرق زمین را تا دشت‌های روسیه، هنگری، ارمنستان، گرجستان و اروپای شرقی تصرف نمودند و جهان کاتولیک را تهدید می‌کردند. آنان نامه‌هایی توهین‌آمیز و جسورانه خطاب به پاپ نگاشتند که متنو متن یکی از آنها را پیوست کرده است.

در ذیل وقایع‌نامه بزرگ یکی از پیوست‌های این اثر آمده است که شامل وقایع تاریخی است که پس از مدتی وقفه توسط مورخ گمنامی پی گرفته می‌شود و از ۱۲۶۱ تا ۱۲۷۳ م. را شامل می‌شود. تفاوت عمده ذیل با متن اصلی کتاب در ایجاز آن از یک سو و توجه بیشتر به سرزمین مقدس (فلسطین) و فعالیت‌های صلیبی لوئی و ادوارد شاهان فرانسه و انگلستان در آنجا است.

کتاب پیوست‌ها^۱ دربرگیرنده نامه‌هایی است که بخشی از آنها در باب فتح دمیاط به دست لوئی نهم و صلیبیان بوده و عمده نامه‌ها اسناد رسمی متبادله میان دربارهای مغولان و شاهان اروپایی یا نامه‌هایی درباب فتوحات و ویرانگری‌های ایشان در اروپای شرقی و آسیای غربی است.^۲

پیوست دوم وقایع‌نامه بزرگ شامل راه‌نامه‌هایی از میراث ملل مختلف اروپایی در باب مسیرهای زیارتی سرزمین مقدس، اوصاف جغرافیای فلسطین، اماکن مقدسه مسیحی در آن از زبان جهانگردان و زائران و جغرافیدانان است.^۳

رئوس کلی مطالب و ملاک‌های تقسیم‌بندی کتاب

متن پاریس در پایان جلد چهارم و پس از اتمام وقایع سال ۱۲۲۵ م. به سبک مورخان قدیم طی هر یک سال و پس از آن طی هر دوره یک ربع قرن به جمع‌بندی حوادث پرداخته و کوشیده است روح زمانه و حوادث عمده هر دوره را استخراج کند و به تاریخ هر دوره هویت و تشخیص بخشد.^۴ در همین زمینه در پایان وقایع هر سال نتیجه‌ای از وقایع ارائه می‌دهد که به نوعی می‌کوشد ارتباط میان وقایع را برقرار کند و حتی روح کلی آن سال را دریابد.

چنان‌که ذکر شد متن در جایی در پایان جلد چهارم، خلاصه‌ای از ربع اول قرن سیزدهم یعنی تا ۱۲۲۵ م. آورده است که گرچه مطوّل است، خلاصه‌ای از آن برای درک موضوعات و خطوط کلی کتاب او راهگشا است:

ذکر پایان یافتن سال و تکمیل شدن یک ربع قرن

«با پایان یافتن همان سال، یعنی سال پربرکت هزار و دو بیست و بیست و پنج، یک ربع قرن نیز به پایان رسید. شایان ذکر است که در هیچ‌یک از ربع قرن‌های پیشین، حتی در یک سوم سی سال گذشته وقایع شگفت‌آور، غیرعادی و جدیدی مشابه حوادث ربع قرن اخیر روی نداده بود. بسیاری نویسندگان و محققان تاریخ برآن‌اند که در ربع قرن‌های گذشته، هیچگاه

1 Book of Additions.

۲ پاریس، همان، ج ۳، صص ۱۸۵۵-۱۸۹۳.

۳ همان، ج ۳، صص ۱۹۱۷-۲۰۲۳.

۴ همان، ج ۳، صص ۱۱۸۱-۱۱۸۶.

عجایب و حوادث بدیع شگفت‌آوری همچون حوادث ربع قرن اخیر روی نداده بود. همچنین حوادثی بدتر و هولناک‌تر از این نیز تجربه نشده بود.

در ربع قرن اخیر، تاناران از پناهگاه‌های خویش بیرون جسته، همچون حیواناتی شکاری تباہی را در مشرق‌زمین و سرزمین‌های مسیحیان و کافران (مسلمانان) گسترده کردند. همچنین امیرالمؤمنین نیرومندترین شاه [مسلمان] اسپانیا و افریقا شکست خورد و لشکرش به کلی پراکنده گشت.

هنگامی که استاد الیور در ولایات آلمانی در حال وعظ بود، تمثال مسیح در آسمان چنان ظاهر گشت که همگان آشکارا می‌توانستند آن را ببینند. در همان روزگار کلیسای یونان، سر از اطاعت کلیسای رُم پیچید که دلیل آن تجاوزگری کلیسای رُم، ارتکاب رباخواری، سیمونی‌گری (فروش مناصب روحانی)، جهت‌گیری در برابر عدالت در ازای دریافت رشوه و گناهان دیگری بود که شایسته بی‌اعتنایی و سستی نیست.

شهر مشهور مصری دمیاط دوبار به تصرف صلیبیان (لوی نهم) درآمد و پس از خونریزی‌های بسیار میان مسلمانان و صلیبیان رد و بدل گشت.

انگلستان به مدت هفت سال به حکم تحریم از شراکت با مؤمنین در امور کلیسایی محکوم گشت. مملکت مذکور به همان اندازه نیز گرفتار جنگ‌های داخلی شد. در همان حال [به پاپ] جزیه می‌پرداخت. بنا به پیشگویی‌های برخی، شاه جان در هنگام مرگ صاحب هیچ یک از ولایت مملکت خویش نبود. از این رو وی را «بی‌وطن» نامیدند. ...

در سال پایانی ربع قرن اخیر، مسلمانان به پاس اراده خویش به پیروزی آشکاری دست یافتند و تمامی لشکر صلیبی را تار و مار ساختند که مرکب از اشراف سراسر فرانسه، مهمان‌نوازان، پاسداران معبد، شوالیگان فرقه توتونی کلیسای سانتا ماریا، شوالیگان فرقه لعازر (لازاروس) بود. در همان حال لوی شاه پرهیزگار فرانسه و دو برادرش کنت پواتو و کنت پروانس به اسارت رفتند. همچنین ویلیام لونگوسپی به همراه جمع کثیری از اشراف انگلستان به دست مسلمانان کشتار شدند. پاپ و دربار رُم تمامی اعتبار و حرمت خویش را در چشم روحانیون و مردم از دست دادند؛ از آنکه صلیبیان را فروختند و نیروهای کمکی‌شان را در ازای پرداخت مبلغی از تعهدات خویش آزاد کردند. چندانکه صلیبیان به اشکال گوناگون معوق و معطل ماندند.

در همان روزگار جمله جهان مسیحی و کلیسای جهانی گرفتار آشوب و نابسامانی گشت که علت آن جنگ‌های داخلی و نفرتی بود که ناشی از اختلاف میان پاپ و فردریک بود. شاه هنری سوم نیز صلیب برگرفت و بسیاری از اشراف مملکت انگلستان، شاهان، امراء اشراف و اسقفان جهان مسیحیت نیز به تقلید از او چنین کردند. اما تنها سرپرست صومعه‌ای که چنین کرد، سرپرست صومعه سنت ادموند بود که فراموش کرده بود با وجود برسرداشتن کلاه راهبانه، نمی‌تواند صلیب برگرفته و متعهد شود که به‌طور دائمی صلیب مسیح را حمل کند. اما در شرایطی که همگان وی را تمسخر می‌کردند، ریاکارانه و به‌طور تملق‌آمیز آشکاری صلیب را در حضور شاه و ملکه دریافت کرد.

در همان روزگار مرگبار، جمع کثیری از اشراف مسیحی وطن، زن و فرزند، دوستان و نزدیکان خویش را ترک کردند تا خالصانه در راه مسیح نبرد کنند. اینان جمله آشکارا شهیدانی بودند که چندان بیایند که ذکر نامشان در این کتاب ممکن نیست. اما نامشان چنان در کتاب زندگان مسطور گشت که هیچ‌کس محو آن را نتواند. زیرا اینان تاج شهادت بر سر نهادند؛ امری که شایستگی آن را داشتند.

از این گذشته، در روز عید سانتا لوسیا، فردریک که از مردان شگفت جهان بود در آپولیا درگذشت.

آن همه حوادث شگفت، جملگی در ربع قرن اخیر روی داد؛ حوادثی بس غریب که کسی چون آن را به چشم ندیده و نشنیده و در کتاب‌های اجداد خویش در روزگاران کهن نخواهد یافت.

راهب متئوی پاریس از راهبان صومعه سنت آلبان اکنون از تحریر کتاب تواریخ خویش فراغت یافته است. کتاب مستطاب تواریخ (وقایع‌نامه بزرگ) را برای بهره‌گیری نسل‌های آینده و به پاس عشق به پروردگار و بزرگداشت سنت آلبان، پیشوای شهیدان انگلستان نگاشته است؛ باشد که ذکر حوادث ویرانگر اخیر دستخوش مرور زمان نگشته، به تندباد فراموشی سپرده نشود.

به تاریخ هزار و دوست و پنجاه سال پس از آنکه باکره پربرت فرزند خویش را به دنیا

آورد، صورتِ اتمام یافت»^۱.

به نظر می‌رسد متنو پاریس در اینجا وقایع‌نامه‌اش را با ذکر انجامه‌ای به پایان رسانده و کار را برای مدتی پی‌نگرفته است؛ جز آنکه مدتی بعد پشیمان شده و کتاب تکمله را به آن افزوده است.

تاریخ‌نگری متنوی پاریس

فضای زمانهٔ متنو و جرقه‌های نهضت اصلاح مذهب

جرقه‌های نهضت اصلاح دینی و مبارزه با فساد در کلیسا که از شعارهایی بود که در محافل روشنفکری اروپای اواخر قرون وسطی شکل می‌گرفت در کتاب و فکر متنو نیز هویداست.

ذکر بیماری ادوارد پسر مهتر شاه

«در شامگاه عید سنت متنو، ادوارد فرزند ارشد و وارث شاه به بستر بیماری افتاد. از این رو شاه به تمامی مقاماتِ مقیم لندن و اطرافش نگاهت تا برای حفظ جان فرزندش، خویشتن را به دربار برساند. یکی از کسانی که نامهٔ ویژه‌ای در این باب دریافت کرد، سرپرست دیر سنت آلبان و راهبان آنجا بودند که شاه از ایشان خواسته بود دعاهای ویژهٔ خویش را به فرزندش اختصاص دهند. شاه دستور داده بود که تمامی راهبان آواز مذهبی «توانا و ماناست پروردگار! اوست که مؤمنین را حفظ می‌کند... الی آخر» را به‌طور باشکوهی زمزمه کنند. و نیمه نخست این دعا را به روح سنت آلبان و نیمه دیگر را به جوان بیمار هدیه کرده و اختصاص دهند. در نهایت، به فضل پروردگار جوان نام‌برده تندرستی خویش را بازیافت. از آن رو در این باب به تفصیل سخن راندم که شایعه‌ای در آن باب در میان مردم رواج یافت که آنان را چنان شگفت‌زده کرده بود که می‌گفتند: «بنگرید! مردمی غیرروحانی و عادی خداوند را در دعای خویش خطاب قرار داده‌اند، خداوند نیز دعای ایشان را اجابت فرمود. پس چرا این پاپ دعا و عمل صالح پیشه نکرده، به نفع خویش و ما و کلیسای جهانی دعا نمی‌کند؟ لابد وی بجای این کارها بیشتر شوق مال‌اندوزی و مالیات‌گیری در سر دارد». همچنین کسانی که به سخن خویش اطمینان داشتند می‌گفتند که متأسفانه پاپ به خزانه‌های اموال خویش بیشتر

۱ پاریس، همان، ج ۳، صص ۱۱۸۱-۱۱۸۷.

اتکا داشت تا آنکه به خداوند توکل و به دعای وی توسل داشته باشد، صدقاتی به مسیحیان تقدیم کند»^۱.

با این حال متئو از هوارادان متعصب قواعد رهبانیت مسیحی و از مخالفان راهبان مندیکنت^۲ (نوعی اندیشمندان سکولار) بود. با این حال از سوء استفاده به نام دین و از ضعف غیرت وطنی در شاه انگلستان و بیگانه پرستی وی بیزار بود.^۳

تأثیر جهان‌شناسی و جهان‌بینی متئو پاریس در تألیف تاریخ جهان

متئو به عنوان یک مورخ انگلیسی دیدگاه کمابیش رسمی انگلیسی‌ها نسبت به خصایل ملی ملل و اقوام و تاریخ جهان را عرضه کرده است.

احساسات جدایی طلبی دینی منتج به تشکیل کلیسای انگلیکان مبتنی بر توجه به پرهیزگاری، دوری از فساد مالی و طمع کاری کلیسای رومی بود که تنها مالیات را می‌خواست و نه مسیحی بودن اروپا را و مهم‌تر از همه احساسات وطنی شدید انگلیسی در کتابش موج می‌زند و همه‌جا به دفاع از انگلیسی‌ها خاصه ادموند سراسقف کلیسای کاتربری و راهبان انگلیسی می‌پردازد. اگرچه همه‌جا از بی‌لیاقتی و سوء سیاست‌های شاه انگلستان هنری می‌نالند.

از سوی دیگر همچون یک انگلیسی متعصب و بیزیان را قومی کم‌تمدن معرفی کرده و قیام‌های استقلال‌خواهانه آنان را شورش‌هایی خیانت‌آمیز معرفی کرده است. شاه اسکاتلند را نیز مدیون و رعیت برحق شاه انگلستان معرفی کرده و شورش وی را به ناسپاسی تعبیر کرده است.^۴

تصویری که از امپراتور فردریک تصویر شده است، از یک سو او را دارای روابطی مشکوک با مسلمانان می‌شمارد و از سوی دیگر ضمن همدلی با وی، وی را همچون فرمانده و حتی شبه‌قهرمانی در اروپا و سرزمین مقدس به تصویر می‌کشد که به‌طور مظلومانه‌ای تحت فشار، ستم و تکفیر پاپ قرار گرفته است. در عین حال او را به کفر و بی‌خدایی و حتی ضدیت با مسیح و توطئه علیه پاپ متهم می‌کند.^۵ در کتاب متئو، فرانسویان نیز به‌عنوان دشمن

۱ همان، ص ۹۷۱.

2 Mendicant friars.

3 Edmund Carter (1819), *The history of the county of Cambridge*, Cambridge University (online edition), p.23.

۴ پاریس (۲۰۰۱)، همان، ج ۲، صص ۶۸۰-۶۸۱.

۵ همان، ج ۲، ص ۶۷۹.

دیرین انگلیسی‌ها، قومی متکبر، ناسپاس و غیرقابل اطمینان ظاهر شده‌اند.^۱

دیدگاه متنو در باب اسپانیایی‌ها

اسپانیایی‌ها در چشم انگلیسی‌ها فروتر دانسته می‌شدند. با این حال هنری سوم شاه انگلستان دختر شاه اسپانیا را برای پسرش ادوارد خواستگاری کرده بود، امری که اعتراض و سرزنش مردم انگلستان و از جمله متنوی پاریس را برانگیخته است. وی در جای دیگری در بحث از زمانی که هنری به خارج انگلستان رفته بود تا شورشیان گاسکونی و تحریکات اسپانیائیان را سرکوب کند، می‌نویسد:

[گیلبرت سکریو] به‌عنوان سخنگوی شاه برای تحریک و تحت تأثیر قرار دادن مخاطبانش افزود: شاه انگلستان انتظار داشت که شاه کاستیل از آن پس از نزدیک‌ترین دوستانش باشد. زیرا با وی خویشاوندی سببی کرده بود. اما اندکی بعد آشکار گشت که اساساً چنین نیست. زیرا شاه کاستیل خود را دشمن خونریز نشان داده، شاه انگلستان را به رویارویی فراخوانده و او را تمسخر کرده بود. مردم گاسکونی نیز به وی تمایل یافته، او را تحریک کرده و ترجیح داده از آن شاه اسپانیایی می‌خواستند که سرور و حاکم ایشان باشد. بنابراین شاه انگلستان از شما یاری مؤثری می‌طلبد. زیرا او این چنین در اوضاع اضطراری قرار گرفته است.^۲

در اینجا لحن کلام به گونه‌ای تحقیرآمیز است و اسپانیایی‌ها را فروتر از انگلیسی‌ها نشان می‌دهد. اما گاه پیروزی‌های ایشان در طی جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان را ستوده است.

دیدگاه متنو نسبت به لوئی نهم و فرانسویان

فرانسویان در کتاب متنو به‌عنوان مردمی دمدمی مزاج و سبکسر معرفی شده‌اند. این شاید به دلیل رقابت تاریخی ایشان با انگلیسی‌ها و دشمنی دیرپای موجود بین آن دو بود. به‌عنوان نمونه متنو اوضاع روانی در میان جنگجویان صلیبی فرانسوی را پس از به اسارت رفتن لوئی نهم شاه فرانسه این چنین تحلیل کرده است.

۱ همان، ج ۲، ص ۶۸۱

۲ همان، ج ۲، ص ۶۸۳

در باب آنکه ایمان بسیاری [صلیبیان] متزلزل گشت

بدین ترتیب بسیاری که ایمان محکمی نداشتند، به تدریج به ناامیدی اعتراف کردند و در آن باب به اعتراض پرداختند. آنان که به سبب گرسنگی رو به مرگ می‌رفتند، متأسفانه بسیاری از آنان ایمان خویش را از دست داده و هر یک دیگری را می‌گفت: «چرا مسیح ما را تنها گذاشته است، حال آنکه در اینجا برای او و همراه او در حال جهاد هستیم؟ چرا در این روزها این همه شکست خورده‌ایم و گرفتار آشوب شده‌ایم؟ چرا دشمنانمان که خود دشمنان مسیح‌اند، بر ما غلبه یافتند، خون ما را ریخته، اموال ما را دستخوش غارت کرده‌اند؟ چرا ابتدا نیل چنان طغیان کرد که مجبور شدیم دمیاط را تخلیه کنیم؟ حال آنکه آن شهر را به تبعیت ریخته شدن خون‌های بسیار به دست آورده بودیم. از سوی دیگر شوالیه‌های مشهور پاسداران معبد چنان شکست خورده و پراکنده گشتند که پرچمدارشان به اسارت رفته، اعدام شد. چرا چند سال پیشتر با وجود تلاش‌های ارل ریچارد [که قیساریه را تصرف کرده بود] در نزدیکی آن شهر شکست خورد، پس از اندکی خوارزمیان تقریباً تمامی صلیبیان را تکه تکه کرده، تمامی امکان مقدس مسیحی را آلوده کردند؟ چه چیز بدتر از این است که شاه مسیحی پرهیزگار ما که به‌طور معجزه‌آسایی از بیماری و مرگ رهایی یافته بود، اکنون گرفتار خطرات هولناک و آشکاری شده است. چرا تمامی اشراف فرانسه این چنین گرفتار شده‌اند؟ چرا پروردگاری که معمولاً او را به‌عنوان خدای یاریگری می‌نامیم اینگونه به دشمنی ما برخاسته است؟ چرا مسیح بارها از دشمنان خود اینگونه شکست خورده است، ایمان ما در این میانه چه فایده‌ای داشته است. دعا‌های روحانیان و صدقاتی که دوستانمان بدان منظور تقدیم کرده‌اند، چه سودی داشته است. آیا معنی‌اش چنین است که شریعت محمد^(ص) برتر از شریعت مسیح است؟» بدین ترتیب چنان سخنان کفرآمیزی بارها بر زبان مشت‌سست ایمان رفته، دوره‌روزه بزرگ که باید به‌عنوان دوره کفر و کفاره برگزار می‌شد، اکنون به زمان مناسبی برای توبه مبدل شده بود.^۱

دیدگاه جبرگرایانه برآمده از روحیه مذهبی متئو پاریس، راهب کلیسای سنت آلبان، این واقعه را به‌عنوان خواست خداوند و با تأیید او تحلیل کرده است. از این رو است که

۱ همان، ج ۴، ص ۱۰۹۴.

می‌نویسد که فرانسویان از خداوند خشمگین گشته، طریق کفر در پیش گرفتند.

متنو و دربار انگلستان

چنانکه پیشتر ذکر شد، متنو مورخ رسمی کلیسای سنت آلبن بود. اما گاه دستوری از دربار دریافت می‌کرد تا واقعه‌ای را به دقت ثبت کند:

در ذکر آنکه شاه مرا دستور داد که تمامی آن مراسم به ثبت برسد

هنگامی که شاه بر تخت سلطنتی خویش تکیه زده بود، نگارنده این کتاب را در میان جمعیت دیده، مرا نزد خود فراخوانده، دستور داد که در نقطه میانه تخت و کف ساختمان بنشینم. سپس مرا گفت: «آیا تمامی این امور را به چشم دیدی؟ آیا هر آنچه را دیدی در ذهن و خاطر خود حفظ کردی؟ در پاسخش گفتم: آری سرورم! آن امور همگی شایسته حفظ و ثبت است. زیرا مراسم امروز بس نیک بود». شاه چنین افزود: «من تأکید می‌کنم که این حقیقت است که خداوند این واقعه را با عنوان دلیلی برای لطف بیکران خویش [نسبت به ما] و به‌عنوان پیش‌درآمدی برای حوادث نیک بعدی تقدیم کرده و به فضل خویش معجزه امروز را محقق کرده است. این امر در صبح روز بعد محقق (و به دست نگارنده نگاشته) شد. آرزو دارم که شما در این بین شاد شده باشید. از این رو از شما می‌خواهم و شما را فرمان می‌دهم که روایتی آشکار و کامل درباره این اقدامات نگاشته و به زیبایی برای نیکنامی ما در کتاب خود ثبت کنید تا کسان بسیار آن را به یاد داشته باشند؛ تا اجر کسی ضایع نشود و نیز آیندگان از این سود و برتری بهره‌مند شوند». سپس شاه مرا به همراه سه تن از همراهانم به شام دعوت کرد. وی در همان روز دستور داد که تمامی انبوه راهبانی که در آن روز در آنجا حضور داشتند، در سالن غذاخوری صومعه به حساب شاه پذیرایی شوند؛ راهبان صومعه وست‌مینستر و برخی دیگر نیز جزء آن جماعت بودند.^۱

متنو از نگارش برخی مطالب احساس خطر می‌کرد و به نظر می‌رسد که مطلب حاضر را بارها سانسور و تعدیل کرده است. اما در برخی نسخه‌های کتاب یادداشت‌هایی محرمانه و خطرناک دیده می‌شود. از این رو برخی، بخشی از کتاب حاضر را خلاصه‌ای از کتاب

۱ پاریس، همان، ج ۳، ص ۹۷۷.

مفصل‌تر مؤلف به نام *تاریخ انگلستان*^۱ (تألیف در حدود ۱۲۳۵ م.) می‌دانند. این نشان می‌دهد که برخلاف نظر محققان دهه‌های قبل، متنو به معنای دقیق کلمه مورخ رسمی نبوده است از سوی دیگر دقت نظر متنو چندان است که حتی از رفتارهای سلبی همچون عدم حضور شاه هنری سوم در دوره‌ای از سلطنت خود در ملاً عام این تحلیل را ارائه کرده است که وی از دست طلبکاران خویش (جمعی تاجران شراب) می‌گریخت تا از درخواستهای طلب‌کارانه آنان در امان باشد.^۲

متنو و کلیسای پاپ

متنو به‌طور کلی در کتاب خود پاپ و در واقع دستگاه پاپی را به سبب فساد مالی، رشوه‌خواری و آزمندی سیری‌ناپذیر در طلب کردن مالیات سرزنش کرده و با دیدگاهی وطن‌پرستانه آشکارا در کتاب خویش بدان تاخته است.^۳ وی در باب استاد مارتین نماینده طمعکار پاپ در انگلستان می‌نویسد:

در همان هنگام استاد مارتین که بارها ذکر وی گذشت، به‌عنوان روحانی [و نماینده پاپ] با اصرار شدید بی‌وقفه از هر طریق ممکن مشغول گردآوری عوارض و اموال بود تا آن را به پاپ و نزدیکان پاپ بسپارد. باید در باب جسارت و طمع پرازارش سخن بگویم، اما به احترام کلیسای مقدس رُم شایسته‌تر است که خاموشی گزیده، گوش‌ملت خویش را با آن نیازم و اذهان مسیحیان را با نقل چنین حکایاتی آزرده نسازم. در این مطلب گرایش‌های وی و شیوه برخوردش با مفساد کلیسا به تصویر کشیده می‌شود.^۴

متنو پاریس همانند یک راهب قرون وسطایی با تمام خرد و نکته‌سنجی‌اش از تعصبات و خشک‌اندیشی‌های مذهبی زمانه‌اش رهایی نیافته و درباره دانشمندان دانشگاه پاریس می‌نویسد:

خداوند تنها از ایمان راستین و استوار بندگانش خرسند است؛ و نه از چون و چرای استدلالیان در مسائل لاهوتی. زیرا راه درست‌تر و پرفضیلت‌تر آن است که با سادگی و رفتار بی‌آلایش خویش، استدلالی باشیم نه به وسیله ابزارهایی که عقل [ناقص] آدمی

1 Historia Anglorum.

۲ همان، ج ۲، ص ۷۱۹.

3 Jackson, Ibid, p. 58.

۴ پاریس، همان، ج ۲، ص ۷۴۰.

فراهم می‌آورد. اما اینان خواسته بودند که فراتر از راه راست راهی را برگزینند.^۱ وی در باب محدودیت‌های سیاسی و یا حتی اخلاقی خود به‌عنوان مورخ می‌نویسد: سفیران انگلستان رسیده، کوشیدند تا پاپ خشک‌مغز را اندکی منعطف سازند. بدین منظور وی را وعده رشوه داده، تأکید کردند که دوستان ویژه پاپ در انگلستان (که من مورخ اجازه نام ذکر ایشان را ندارم)، شاه را وادار به تغییر رأی کرده‌اند. بنابراین آنان اعلام کردند که به‌زودی اراده و فرمان‌های پاپ اجرا خواهد شد.^۲ به‌طور کلی می‌توان او را با توجه به شرایط و مقتضیات زمانش، مورخی اهل نقد و کمابیش آزاداندیش اما با اعتقادات عمیق راهبانه ارزیابی کرد.

متئو و امپراتوری مقدس روم

گرایش کلی متئو نسبت به امپراتور فردریک دوم تعظیم و تبجیل است و گرچه گاه خطاهای وی را در کم‌کاری در یاری صلیبیان و حتی روابط مشکوکش با مسلمانان^۳ نیز سرزنش کرده، اما او را برترین قدرت سیاسی جهان مسیحی و نهادی پذیرفتنی و مثبت قلمداد کرده است.^۴ اما در هر حال وی اهل احتیاط‌های سیاسی زمانه خود نیز بود. او در جایی با توجه به شرایط تکفیر و عزل فردریک توسط پاپ اینوسنت می‌نویسد:

فردریک که اکنون بدنام شده بود و به دلیل معذورات اکنون نمی‌توان او را امپراتور نامید؛ در آن روزگار کوشید که مردم آپولیا، سیسیل و کلبریا به فرزندش هنری از همسر محبوب خویش امپراتریس ایزابلا سوگند وفاداری یاد کنند.^۵

البته در بسیاری موارد، از این نظر که فردریک دوم به‌عنوان تنها وزنه تعادل در برابر پاپ و عاملی برای مهار قدرت لجام گسیخته او وارد عمل می‌شد، متئو نمی‌توانست در شرح وقایع شادی و هواداری میان‌روانه خود از پاپ را پنهان بدارد.

۱ همان، ج ۲، ۵۹۸.

۲ همان، ج ۳، ص ۹۱۱.

3 J.B. Gillingham (1972), *The kingdom of Germany in the high Middle Ages(900-1200)*, London: The Historical Association(1972), Ibid, p.11.

4 Jackson, Ibid, p. 58.

۵ پاریس، ج ۳، ص ۹۴۷.

تصویر مشرق زمین و جهان اسلام در وقایع‌نامه بزرگ

تصوری که اروپاییان از مشرق زمین در آن روزگار داشتند غالباً شامل فلسطین (سرزمین مقدس) و شهرهای مرزی میان جهان اسلام و جهان مسیحی بود که اوضاع و احوال آن‌ها به‌طور خلاصه چنین بود: بنادر فلسطین از جنوب به شمال شامل غزه، عسقلان، قیساریه^۱ شام و نابلس بودند. مناطق فوق بنداری کوچک اما سوق الجیشی به شمار می‌رفتند.^۱ مهم‌ترین محل رویارویی مسلمانان با صلیبیان عسقلان بود. نام قدیمی شهر عسقلان «مجدل» بود. آنجا در طول جنگ‌های صلیبی از شهرهای مهم در مرزهای میان دولت‌های صلیبی و مصر در عهد فاطمیان و ایوبیان بود. در سال ۱۰۹۹ م. اندکی پس از محاصره بیت‌المقدس، نیروهای فاطمی در نبرد عسقلان از فرنگیان شکست خوردند و جنگ اول صلیبی به پایان رسید. تا سال ۱۱۵۳ م. مصریان از عسقلان به بیت‌المقدس می‌تاختند و در دهه ۱۱۳۰ م. فولک شاه اورشلیم^۲ سکونتگاه‌هایی را در مرزهای عسقلان ساخت تا مرزهای جنوبی حکومتش را حفظ کند. در سال ۱۱۵۰ م. فاطمیان ۵۳ برج آن را مستحکم ساختند. در ۱۱۵۳ م. بالدوین سوم^۳ شاه اورشلیم پس از محاصره‌ای سه‌ماهه آنجا را تصرف کرد و به سلطنت یافا ملحق نمود. ربی بنیامین تودلابی (تطیلی) در سال ۱۱۶۳ م. ۲۰۰۰ نفر یهودی را در آنجا ساکن یافت. در سال ۱۱۸۷ م. صلاح‌الدین ایوبی طی نبرد حطین عسقلان را تصرف کرد. در جنگ سوم صلیبی طبق سیاست زمین سوخته آنجا را به دلیل اهمیت سوق الجیشی اش ویران کرد (۱۱۹۱ م) و اگرچه ریچارد اول^۴ آنجا را بازسازی کرد، اما در قرن ۱۳ میلادی همچنان شهری ویران و کم‌اهمیت بود. تا آنکه ریچارد ارل کورنوال^۵ قلعه آنجا را بازسازی کرد (۱۲۴۰-۱۲۴۱ م). الصالح ایوبی در سال ۱۲۴۷ م. دوباره آنجا را تصرف کرد. با برآمدن ممالیک در سال ۱۲۷۰ م. دوره جدیدی در حیات شهر آغاز گشت و بیبرس^۶ شهر، بندرگاه و قلعه‌اش را ویران کرد و آنجا خالی از سکنه شد.^۷

۱ ابوالفداء، مختصر اخبار البشر، صص ۲۴۸-۲۴۹، ۲۵۵، ۲۵۹؛ ابن بطوطه (۱۳۷۶)، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: آگه، ج ۱، صص ۹۱-۱۵۱.

2 Fulk of Jerusalem.

3 Baldwin III of Jerusalem.

4 Richard I of England.

5 Richard, Earl of Cornwall.

۶ ابن تغری بردی الاتابکی [بی‌تا]، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۵، القاهرة: المؤسسة المصرية العامة للتالیف و الترجمة و الباطعة و النشر، ص ۲۹۹.

7 Andrew Petersen (2005), *The Towns of Palestine under Muslim Rule AD 600-1600*, BAR International Series 1381. p. 133.

بدین ترتیب بخش قابل توجهی از مطالب کتاب وقایع‌نامه بزرگ و ذیل‌ها و پیوست‌های آن مربوط به مشرق زمین و جهان اسلام است که به‌طور مشخص به جنگ‌های صلیبی، حکومت‌های ایوبی، نیروهای خوارزمی، گاه نزاریان شام و از سوی دیگر به حملات نخستین مغولان به روسیه و اروپای شرقی می‌پردازد.

مغولان ۴۲ سال پس از آغاز جهانگشایی خود از مغولستان، چهار پادشاه و ۲۵ شاهزاده (دوک) روسی علاوه بر هانری دوک لهستان و «بلا» شاه هنگری را شکست داده، کشتند. آنان قلمرو شاهزاده‌نشین‌های نمسیا (آلمان)، استیریا و تروسیا، مورافیا و بوهم را تصرف کردند. از دانوب به سمت اروپای شرقی گذشتند. طی نامه راهب جوردن از فرقه فرانسیسکن در منطقه لهستان و دیر پرینگ که به تاریخ ۴۰/عق/۱۲۴۲م. است، مغولان پس از ویرانی بسیار در دوک‌نشین‌های هفت‌گانه روسیه، بخش اعظم هنگری را تصرف و بسیاری از نقاط لهستان را ویران کردند. آنان به مرزهای بوهم و آلمان رسیدند. به نوشته یکی از اسقفان مهاجر از هنگری به انگلستان، مغولان در ۵۵/عق/۱۲۵۷م. از دنیپر گذشتند و به مرزهای هنگری رسیدند. نامه پراضطراب دوک بولون و برابانت به لاندگریف اهل ساکسونی و پالاتاین از ویرانی سراسر روسیه، لهستان تا مرزهای بوهم به سبب ایلغار مغول حکایت دارد.^۱ با وجود این، روبروک می‌نویسد به سبب آنکه دریای خزر را از سه جهت بجز از شمال کوهستان دربر گرفته بود، در زمان وی سفر کردن از شمال خزر به مغولستان و اروپای شرقی و شمالی^۲ بسیار مرسوم بوده است.

در زیر گزیده‌ای از فهرست مرتبط با جهان اسلام و مشرق زمین از وقایع‌نامه مذکور آورده شده است تا در تحلیل بسامد و بودجه‌بندی مطالبش مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۱. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد یکم وقایع‌نامه بزرگ

صفحه	عنوان
۲۴	متن نوشته‌ای که درباره خاستگاه محمد ^(ص) و دین او به پاپ ارسال شد
۲۵	شرایطی که محمد ^(ص) در آن رشد کرد

۱ پاریس، همان، ج ۵، صص ۱۸۸۶-۱۸۹۴.

۲ Rubruck, Ibid, pp.118-9.

۳۲	فتح قرطبه و تلاش [فرمانروایان] سبته برای حفظ صلح
۳۴	کشتار یهودیان
۳۸	فراخوان برای جنگی صلیبی
۴۹	پیروزی‌های مسیحیان در اسپانیا
۵۲	غوغای یونانیان [بیزانسیان] علیه کلیسای رومی [ارتدکس] و امپراتور خود
۶۵	بدعت نسطوریان
۷۱	اعزام تئودوریک فرمانده مهمان‌نوازان برای یاری سرزمین مقدس
۱۳۵	چگونه یونانیان به کلی سر از اطاعت کلیسای رم برتافتند
۱۳۷	نامه امپراتور فردریک به ایرل ریچارد درباره نگرانی‌های وی پیرامون نبرد صلیبی
۱۵۲	درگذشت سلطان پرقدرت [ایوبی]
۱۵۳	تاتاران سرزمین‌های شمالی را اشغال می‌کنند
۱۸۵	تنگ شدن محاصره شهر اسپانیایی والنسیا
۱۸۵	بالدوین امپراتور قسطنطنیه با نیروهای مسلح خود در سرزمین‌های یونان [بیزانسی] به لشکرکشی می‌پردازد
۱۸۶	سراسقف انطاکیه دعوی برتری نسبت به پاپ روم را برمی‌افزاید
۱۹۴	پطرس مسلمان مبلغ هنگفتی را به‌عنوان فدیة به امپراتور تقدیم کرد
۱۹۸	کشتار مسلمانان در اسپانیا
۲۸۵	گردآمدن صلیبیان در لیون
۲۸۸	پاپ صلیبیان را از عزیمت [سرزمین مقدس] باز می‌دارد
۲۹۸	امپراتور صلیبیان را از حرکت باز می‌دارد
۳۱۰	کشتارهای تاتاران
۳۱۰	زیانکاری شاه سرزمین بزرگ کاستیل
۳۱۷	پاپ و کلیسا برای کسب مال از رومیان با بخشش‌نامه‌هایی سوگند صلیبیان را باز می‌خرند
۳۱۸	ایرل سیمون خود را برای عزیمت به اورشلیم آماده می‌کند
۳۱۹	بخشایش و رهایی دادن برخی از صلیبیان در ازای پرداخت مبلغی مال
۳۳۵	کشتار وحشتناک صلیبیان در منطقه دمشق
۳۳۶	امپراطور به سبب بداقبالی صلیبیان اندوهگین شد
۳۳۶	نامه امپراطور درباره همان مسئله

۳۵۵	عزیمت ایرل ریچارد به همراه دیگر اشراف [و لشکرکشی به سوی اورشلیم]
۳۵۷	پاپ ایرل ریچارد را از عزیمت [به سرزمین مقدس] باز می‌دارد
۳۶۵	احوال امپراتور قسطنطنیه
۳۷۳	مسلمانان از طریق قرعه انداختن در پی غیب‌دانی می‌روند
۳۷۵	اخباری مسرت‌بخش از سرزمین مقدس
۳۸۷	آوردن تاج خاِر پروردگار [مسیح از سرزمین مقدس] به فرانسه
۳۸۸	یورش تاتاران
۳۹۰	رنج‌های اسیران صلیبی در سرزمین مقدس
۴۰۳	حرکت برخی اشراف انگلستان به سمت اورشلیم
۴۰۳	شاه فرانسه صلیب و تاج پروردگارمان [مسیح ^(ع)] را به نمایش عمومی می‌گذارد

جدول ۲. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد دوم وقایع‌نامه بزرگ

صفحه	عنوان
۴۲۲	ذکر انتقام هراس‌آوری که تاتاران از مردم کشیدند
۴۲۲	نامه‌ای که در باب این قوم به دوک برابانت نوشته شد
۴۲۵	نامه امپراتور در باب در رسیدن مغولان
۴۲۵	ذکر انتشار نامه مذکور
۴۳۳	شیوع بدگمانی‌ها و شایعات
۴۴۶	شرارت هولناک جهودان
۴۴۸	در ذکر آنکه چگونه مردم در ازای پرداخت مبلغی تعهد حمل صلیب را پذیرفتند
۴۶۰	در باب آنکه ارل ریچارد استخوان‌های صلیبیان را به خاک سپرد
۴۸۱	ذکر آزادی اسیران از چنگال مسلمانان و بازگشت ایشان به وطن
۴۸۳	ذکر اختلاف میان مهمان‌نوازان و پاسداران معبد
۴۹۶	در ذکر چگونگی استقبال پادشاه از ارل ریچارد هنگامی که از سرزمین مقدس باز می‌گشت
۵۰۴	ذکر بازگشت ارل آو سالسبری از سرزمین مقدس
۵۱۴	ذکر پیروزی پاسداران معبد بر سرزمین مقدس
۵۴۵	در ذکر خطراتی که ارل ریچارد و همراهان در دریا رو در رو شدند

۵۷۳	ذکر خصوصت‌های مهمان‌نوازان علیه پاسداران معبد
۶۰۶	نامه‌ای در باب اوضاع سرزمین مقدس
۶۰۹	ذکر موضع‌گیری‌ها در مورد نامه‌ی مذکور که [خواستار نیروهای کمکی] بود
۶۱۷	ذکر شکست امپراتور قسطنطنیه و پناه آوردن نزد امپراتور فردریک
۶۱۷	در باب پراکنده شدن [و گریختن] تاناران به سوی مشرق زمین
۶۱۸	نامه‌ی امپراتور در باب تخلیه‌ی اورشلیم از ساکنانش
۶۲۴	روایتی مختصر در باب فاجعه‌ی مذکور
۶۲۵	نامه‌ی مفصل دیگری از فرمانده‌ی مهمان‌نوازان در اورشلیم
۶۵۰	ذکر آنکه امپراتور برای حفظ صلح با کلیسا شخصاً متعهد شد
۶۵۸	نامه‌ای گریه‌آور
۷۸۱	ذکر فرمان‌هایی که برای گشایش در کار سرزمین مقدس و امور [جنگ‌های] صلیبی صادر شد
۷۷۰	ذکر تحریم کلیسایی امپراتور فردریک در مجمع لیون توسط پاپ
۸۰۲	در باب جنگ صلیبی [پیش روی]
۸۱۶	ذکر استیلای مصریان بر شهر دمشق
۸۲۰	ذکر اعزام نماینده‌ی پاپ به فرانسه برای تقویت تبلیغات صلیبی
۸۲۲	در باب کیفیت آنکه جمعی از اشراف صلیب برگرفتند
۸۲۲	ذکر [انتشار] شایعه‌ای در باب آنکه مسلمانان برگ‌ها [کاغذ صادراتی] را مسموم کرده‌اند

جدول ۳. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد سوم وقایع‌نامه بزرگ

صفحه	عنوان
۸۵۷	در باب آنکه پاسداران معبد و مهمان‌نوازان در آزادی برادران و هم‌زمان اسیر خویش کوشیدند
۸۷۱	باب آنکه سرزمین مقدس دمی از ستم مصریان بیاسود
۸۹۲	اخبار اندوه‌باری که از سرزمین مقدس می‌رسید
۸۹۹	نامه‌ای که سلطان مصر به پاپ نگاشت و توسط کاردینالی از عربی به زبان لاتین ترجمه شد.
۹۰۱	در ذکر آن تشکیک‌ها که در باب صحت نامه‌ی فوق‌الذکر برخاست
۹۳۵	ذکر اعزام گود فروا اسقف کاندید بیت لحم به‌عنوان نماینده‌ی پاپ به اسکاتلند
۹۶۲	در باب آنکه ویلیام لونگوسپی و برخی دیگر اشراف صلیب برگرفتند

۹۶۶	ذکر شکست و هلاکت خوارزمیان
۹۶۸	در باب آنکه ارل ریچارد مالیاتی از صلیبیان گرفت
۹۷۲	ذکر آوردن بقایایی از خون مسیح به لندن
۹۹۰	در باب آنکه شاه فرانسه دوباره صلیب بر گرفت
۱۰۰۹	در باب آنکه شاه فرانسه برای حمله به سوی سرزمین مقدس به راه افتاد
۱۰۲۴	در باب آنکه سفیرانی از سوی تاتاران به دربار پاپ آمدند
۱۰۶۸	گزارشی درباره استیلا بر دمیاط
۱۰۷۳	روایتی در باب گرایش شاه تاتاران به مسیحیت
۱۰۸۷	در ذکر آنکه شاه به همراه بسیاری از اشراف صلیب بر گرفت
۱۰۹۱	در باب یورش که فرانسویان بر لشکر مسلمانان بردند
۱۰۹۱	در باب شرط‌هایی که سلطان برای صلح مقرر کرد
۱۰۹۲	در ذکر آنکه تعداد کثیری از فرانسویان به ضرب شمشیر یا از گرسنگی درگذشتند
۱۰۹۳	در ذکر آنکه بسیاری فرانسویان راه ارتداد در پیش گرفتند
۱۰۹۳	ذکر مرگ سلطان
۱۰۹۴	در باب آنکه ایمان بسیاری [صلیبیان] متزلزل گشت
۱۱۱۷	ذکر آنکه شاه فرانسه حملاتش را به سمت مشرق‌زمین ادامه داد
۱۱۲۲	ذکر روایات گوناگون در باب استیلا [صلیبیان] بر قاهره
۱۱۲۴	ذکر استیلا صلیبان بر دمیاط
۱۱۲۸	در ذکر آنکه سلطان هدایای بسیاری به صلیبیان بخشید تا با ایشان صلح کند
۱۱۲۹	در ذکر آنکه خیانت سردار نامبرده را به سلطان اعلام کردند
۱۱۳۲	در ذکر آنکه برنارد دو نیمفا اموالی را از صلیبیان استیفا کرد
۱۱۳۲	ذکر گزارش‌های غمباری که از سرزمین مقدس رسید
۱۱۳۵	ذکر سرزنش‌هایی که کنت ارتوی بر مهمان‌نوازان و پاسداران معبد روا داشت
۱۱۳۶	ذکر اختلافات میان ویلیام لونگوسپی و کنت ارتوی
۱۱۳۹	ذکر مقتل ویلیام لونگوسپی
۱۱۴۰	در باب آنکه شاه فرانسه نیروهایش را قوت قلب بخشید
۱۱۴۱	ذکر لشکرکشی شاه به نبرد گاه و چشم زخمی که به لشکرش رسید
۱۱۴۲	ذکر قتل عام شوم فرانسویان

۱۱۴۴	ذکر اسارت شاه فرانسه
۱۱۴۸	در باب والیان دمیاط و ناوگانی که آنجا را ترک کرد
۱۱۴۹	در باب اندوهی که صلیبیان را فراگرفت، هنگامی که خبر کشتار خونین مذکور را دانستند
۱۱۴۹	در ذکر آنکه شاه فرانسه در ازای آزادی خویش دمیاط را به مسلمانان واگذار کرد
۱۱۵۱	در باب آنکه برخی صلیبیان [برخلاف مفاد صلحنامه] در دمیاط گردن زده شدند
	در ذکر آنکه شاه فرانسه سلطان را به مبارزه طلبید
۱۱۵۲	در ذکر آنکه مسلمانان علیه سلطان خویش سر به شورش برداشتند
۱۱۵۸	ذکر خشم فرانسویان به سبب انتشار خبر کشتار هم وطنانشان [صلیبیان]
۱۱۵۹	در ذکر آنکه شاه کاستیل صلیب برگرفت
۱۱۶۳	در ذکر آنکه مسلمانان آماده محاصره عکا گشتند
۱۱۶۳	در ذکر آنکه شاه فرانسه دو برادرش را به فرانسه بازگرداند
۱۱۸۱	ذکر پایان یافتن سال و تکمیل شدن یک ربع قرن
۱۱۹۷	ذکر در گرفتن اختلاف میان دو تن از قدرتمندترین سلاطین [مسلمان]
۱۲۰۰	ذکر صبری که شاه فرانسه پیشه خود ساخت
۱۲۰۰	ذکر بازگشت برادر شاه از سرزمین مقدس
۱۲۰۷	در ذکر آنکه مسلمانان برخی صلیبیان اسیر را آزاد کردند
۱۲۱۱	ذکر انتشار اخبار درگذشت امپراتور فردریک در سرزمینهای غربی
۱۲۱۶	ذکر استقامت امیرانطاکیه تا سرحد مرگ

جدول ۴. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد چهارم وقایعنامه بزرگ

صفحه	عنوان
۱۲۲۹	در ذکر آنکه آلفونسو شاه کاستیل نامه‌ای به شاه انگلستان نگاشت
۱۲۷۳	در باب چگونگی آنکه پاپ شاه انگلستان را به زیارت [و جنگ صلیبی در سرزمین مقدس] تشویق کرد
	در ذکر آنکه فرانسویان به فرمان شاه خویش برای مذاکره در باب سرزمین مقدس گردن نهادند
۱۲۸۲	در باب آنکه شاه انگلستان سوگند یاد کرد که به زیارتی صلیبی در سرزمین مقدس رود
۱۲۸۳	در باب آنکه سلطان مصر از شاه فرانسه تقاضای صلح کرد

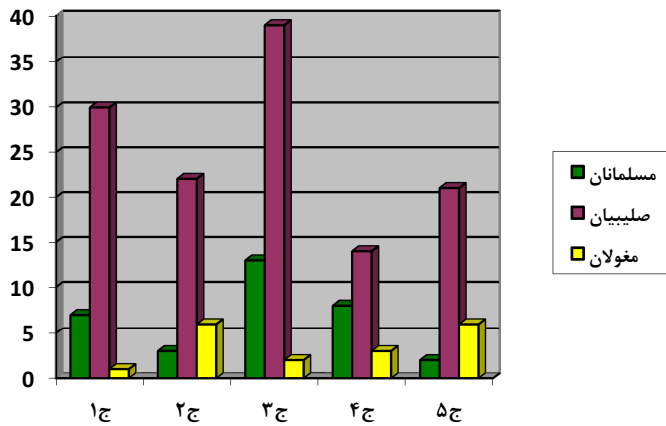
۱۳۴۵	ذکر کشمکش که میان فرمانده مهمان‌نوازان و شاه در گرفت
۱۳۴۷	ذکر اخباری که برخی ارمنیان در باب تاتاران به همراه آوردند
۱۳۴۸	در باب آنکه سلطان مصر اسپران صلیبی را آزاد کرد
۱۳۷۱	ذکر اخراج یهودیان از مملکت فرانسه
۱۴۰۹	در باب خشونت شدیدی که مسلمانان علیه صلیبیان روا داشتند
۱۴۱۰	در باب آنکه آوازه شاه اسپانیا [به سبب اخراج مسلمانان] در خارج از مملکتش منتشر گشت
۱۴۲۳	ذکر درازدستی‌هایی که مسلمانان مرتکب شدند
۱۴۳۷	در باب آنکه برخی مسلمانان به فرانسه رفتند تا تعمید یابند.
۱۴۴۵	ذکر نفرتی که سیسیلیان از هنری پسر فردریک داشتند
۱۴۸۹	ذکر گرایش رومیان برای ویران ساختن شهر نصرت
۱۴۹۰	ذکر حصار خفه‌کننده شهر نصرت
۱۵۳۹	در ذکر آنکه در روستاند به جنگی اصلی علیه مانفرد فراخونده شد
۱۵۴۱	ذکر صلح در سرزمین مقدس
۱۵۵۲	در ذکر آنکه اسقف تولدو انگلستان را ترک کرد
۱۶۵۶	ذکر آتش هولناکی که مسجد محمد ^[ص] را سوزاند
۱۶۸۳	ذکر طغیان و یورش تاتاران اطاعت خواهی ایشان از صلیبیان
۱۶۸۴	در ذکر آنکه تاتاران حشاشین (نزاریان) را نابود ساختند
۱۸۳۹	ذکر حمله [بیرس] و اشغال عکا و استیلایش بر انطاکیه
۱۸۴۳	ذکر مراجعت لوئی به سرزمین مقدس (۱۲۷۰م)
۱۸۴۵	ذکر عزیمت ادوارد (شاهزاده انگلیس) به سرزمین مقدس (۱۲۷۱م)
۱۸۴۸	ذکر آنکه ادوارد راه عکا را در پیش گرفت

جدول ۵. مطالب مربوط به مشرق زمین در جلد پنجم وقایع‌نامه بزرگ

صفحه	عنوان
۱۸۸۱	نامه‌ای در باب فتح دمیاط
۱۸۸۱	اطلاعات بیشتری در باب دمیاط
۱۸۸۳	نامه از خان تاتاران خطاب به شاه فرانسه

۱۸۸۳	نامه‌ای در باب سرزمین مقدس (۱۲۵۲م)
۱۸۸۶	نامه‌ای در باب تاتاران
۱۸۸۸	نامه‌ای دیگر در باب تاتاران
۱۸۸۹	نامه سومی در باب تاتاران
۱۸۹۱	نامه چهارمی در باب همان موضوع
۱۸۹۳	پنجمین نامه در همان باب
۱۸۹۵	اشعاری در مدح صلیبی گری، اورشلیم و شوالیگان
۱۹۱۷	نامه پطرس راهب
۱۹۱۹	اخبار شاه کنراد و شاه لویی و جنگ دوم صلیبی
۱۹۲۳	وصف اورشلیم از نگاه برخی زائران غربی
۱۹۲۵	ترتیب و محله‌بندی شهر اورشلیم
۱۹۲۸	راهنامه [زیارتی] اتوبونیان
۱۹۳۰	راهنامه‌ای از یک نویسنده آلمانی
۱۹۳۴	راهنامه‌ای مندرج در کتاب اعمال فرنگیان
۱۹۴۱	در باب موقعیت اورشلیم
۱۹۴۶	شرحی در باب موقعیت اماکن [مقدسه]
۱۹۸۵	گزیده‌هایی از کتاب پطرس شماس
۱۹۸۵	اورشلیم و اماکن مقدس آن
۱۹۸۶	تاج مسیح
۱۹۸۷	وادی شغفاط، جبل الزیتون، بیت عنیا
۱۹۸۷	شهر الخلیل
۱۹۸۷	اریحا و بحر المیت
۱۹۸۹	روایت‌هایی از سفرنامه نیکولا آو بفرای دانمارکی
۱۹۹۶	راهنامه‌ای ایسلندی
۱۰۰۰	وصف فلسطین و بیت‌المقدس از شریف ادیسی
۲۰۰۹	روایت راهب بیلارد آو اسکولی
۲۰۰۵	راهنامه هفتم
۲۰۲۳	راهنامه هشتم

چنانکه از عناوین بر می‌آید، دغدغه اصلی مؤلف اروپا است. این دغدغه خود را در چند جنبه نشان می‌دهد. یکی پیروزی‌های صلیبیان در مشرق زمین، دیگر تهدیدهای مسلمانان علیه ایشان و اماکن مقدس مسیحی. بنابراین مداخلات و تهدید نوظهور مغولان از آن جهت اهمیت می‌یابند که طبق اساطیر پرست‌رزان به‌عنوان یک متحد اسطوره‌ای قدرتمند به نظر آیند. یا آنکه فتوحات ایشان در اروپای شرقی تهدیدی برای مسیحیت و حتی انگلستان پنداشته می‌شد. بررسی فراوانی هر یک از موضوعات فوق در قالب یک نمودار می‌تواند به درک دگرگونی و شدت دغدغه‌های اروپاییان در مشرق زمین کمک کند (شکل ۱).



شکل ۱. فراوانی موضوعات در وقایع‌نامه بزرگ

دلایل بالا رفتن ستون‌های مربوط به جلد دوم حمله مغول است، در جلد سوم با شرح قدرت‌یابی مسلمانان و اسارت لوئی نهم مطالب مربوط به صلیبیان و مسلمانان اوج می‌گیرد. در جلد چهارم موازنه‌ای در ارائه مطالب در باب قدرت‌های مذکور برقرار می‌شود. اما جلد پنجم غالباً پیوست‌هایی از نامه‌ها و راهنماها و اسناد صلیبیان است.

نتیجه‌گیری

با توجه به شواهد به‌دست آمده در تحقیق، اگرچه هنوز تعصبات و دشمنی میان مسیحیان و

مسلمانان و خرافات ناشی از آن گریبانگیر تاریخ‌نگاری قرون وسطایی بود، اما تاریخ‌نگاری متئوی پاریس نسبت به مورخان پیشین از دایره محدود کلیسا و اسقف‌نشین متبوع خود فراتر رفت و وسعت جهانی یافت. بدین معنی که وی دایره توجه خود را فراتر از مرزهای اروپا و مسائل و مناطق مربوط به اروپا (از قبیل سرزمین مقدس) گسترش داد و حتی به مغولان در خاور دور نیز عنایت نمود. این امر معیاری برای «جهانی» دانستن تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مورخان کم‌نظیری چون متئو پاریس در اواخر قرون وسطی است. البته بالطبع تاحدی از تعصبات مذهبی و ملی داخلی اروپا کاسته شد و توجه متئوی پاریس معطوف به گستره وسیع‌تری شد. عنصر انتقاد از شاهان و حتی از دستگاه پاپی در تاریخ‌نگاری تقویت شد و تحت تأثیر نهضت اصلاح مذهب قرار گرفت. قالب وقایع‌نامه‌نویسی نیز تغییر کرد و همچنین اطلاعات مربوط به مسلمانان از افسانه‌های واهی به تدریج به اطلاعاتی نسبتاً دقیق تغییر یافت. از نظر تاریخ‌نگاری گرچه به سال‌نگاری پایبند ماند، اما به ذکر اسناد و نامه‌های مکتوب و رسمی و سبک نگارش و روش سفرنامه‌ها و زیارت‌نامه‌ها متکی شد. همچنین گزارش‌های مشرق‌زمینیان در باب مغولان در منابع متئوی پاریس به کار رفت.

منابع و مآخذ

- ابن بطوطه (۱۳۷۶)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: آگه، چ ۶.
- ابن تغری بردی الاتابکی [بی‌تا]، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، القاهرة: المؤسسة المصرية العامة للتالیف و الترجمة و البطاعة و النشر.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۳۴۹)، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- باریس، متی (۲۰۰۱)، التاریخ الکبیر، جلد ۵، ترجمه و تحقیق، سهیل زکار، دمشق: [بی‌نا].
- بلوخ، مارک (۱۳۶۳)، جامعه قنودالی، ترجمه بهزاد باشی ج ۱، تهران: آگه.
- باکتر، تراویک (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات جهان، ترجمه عربعلی رضایی، تهران: فرزانه روز.
- دورانت، ویل واریل (۱۳۶۷)، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری، ج ۴ (عصر ایمان)، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- Blom, J. C. H., & Emiel Lamberts (eds.) (1999) *History of the Low Countries: A one-volume history of Belgium and The Netherlands*, Berghahn (online edition).
- Carter, Edmund (1819), *The history of the county of Cambridge*, Cambridge University

- (online edition).
- Gillingham. J.B. (1972), *The kingdom of Germany in the high Middle Ages (900-1200)*, London: The Historical Association.
 - Jackson. Peter (2001), *Mongols and the West*, Cambridge: Cambridge History.
 - Paris, Matthew (1996), *A life of St Edmund of Canterbury*, ed. and trans. C.H. Lawrence, Oxford (online edition).
 - Paris, Matthew (1872-1881), *Chronica Majora Henry Richards Luard's*, 7 vols., Rolls series (online edition).
 - Paris, Matthew (1983), *La Estoire de Seint Aedward le Rei*, K.Y. Wallace (ed.) Anglo-Norman Text Society (online edition).
 - Petersen, Andrew (2005), *The Towns of Palestine under Muslim Rule AD 600-1600*, BAR International Series 1381.
 - Rubruck. William (1960), *The journey William of Rubruck to eastern parts of the World*, ed. And trans. William Woodville Rockhill, London: Hakluyt Society.

